

Grenberg, Jeanine.(2005)*Kant and the ethics of humility : a story of dependence, corruption, and virtue.* cambridge university press

خلاصه/ ترجمه از مسعود صادقی

Masoudsadeghi.blog.ir

- ۱- تواضع، تحریف شده ترین فضیلت است (۳).
- ۲- برخی {به عنوان جایگزینی برای رد کامل تواضع} به دنبال بهره برداری از منافع تواضع از قبیل تایید یا حتی تحسین اجتماعی هستند بی آنکه عملا و واقعا بی ارزش یا حقیر بودن خود را بپذیرند (۳).
- ۳- دیگر راه حل جایگزین برای رد محض تواضع عبارت است از قرار دادن آن در جعبه آینه به عنوان موضوعی برای ستایش. در این نگاه، تواضع فضیلت قدیسان، درویشان و مقدسینی است که برای تماشای عالم آمده اند تا سکناى در آن. تواضع از این منظر برای انسان های معمولی نیست (۴).
- ۴- اخیرا تلاش هایی برای ترمیم دوباره تواضع به عنوان یک فضیلت انجام شده است. برخی برای پرهیز از فهمیدن تواضع به عنوان حقارت، آنرا به مثابه فضیلت انسان های فوق العاده معرفی می کنند. برای بعضی از نویسندگان، تواضع شبیه ترین یا دست کم سازگار با فضیلتی ارسطویی به نام بزرگ منشی (یا magnanimity) است. (۵)
- ۵- من در بازتعریف و دفاع از تواضع به عنوان یک فضیلت، کانت را راهنمای خود قرار داده ام (۷).

فصل یک: فاعل عقلانی وابسته و منحرف

- ۶- در تحلیل های اخیر از تواضع، کسانی چون نروین ریچاردز با کنار نهادن هرگونه متافیزیک کاتولیک، رویکرد تجربی و رفتاری به تواضع را جایگزین می سازند (۱۵).
- ۷- برای بنانهادن تواضع ما باید بجای نقائص مزاجی، باید محدودیت ها و ناکامی های مشترک در میان همه را مبنا قرار دهیم (۱۶).
- ۸- برای فهم نیاز به تواضع لازم است که ما دو ادعای حداقلی در باب طبیعت انسان را بپذیریم: وابسته بودن انسان ها و تمایلشان به انحراف (۲۲).
- ۹- ارسطو از تصویری از انسان حمایت می کند که ذاتا متمایل به خیر است و ناکامی او در دستیابی به فضیلت تحت عنوان ضعف اراده یا آکراسیا قرار می گیرد. کانت مدافع تصویری از انسان است که در ارتباط با شر بنیادین است (۲۹).

- ۱۰- کانت این شر بنیادین و رادیکال را به مثابه گرایش به قرار دادن سعادت و حب ذات در ورای انگیزش اخلاقی تعریف می کند (۲۹).
- ۱۱- {علیرغم نظریات گوناگون در باب سرشت اجتماعی شر بنیادین} یک انسان کاملاً منززل از جامعه نیز می تواند تمایل خود به شر را نشان دهد (۳۹).
- ۱۲- نگاه به انسان به عنوان موجودی وابسته و منحرف در نظریات اخیر در باب تواضع غایب است. این تصویر می تواند نقشه راهی برای تبیین نه فقط تواضع بلکه فضیلت به طور عام ارائه کند (۴۸).
- ۱۳- ما اکنون تصویری روشن از قیودی که به هر تلقی کانتی از فضیلت زده می شود داریم. ()
- ۱۴- مفسران جدید تواضع هرگونه توسط به سرشت انسانی را رد کرده و تعریفی بیشتر تجربی از ارزیابی انسانی را بجای تلقی کمتر پیچیده متافیزیکی جایگزین می سازند که مبتنی بر مقایسه خود/ دیگری به عنوان معیاری برای ارزیابی خود است (۱۱۱).
- ۱۵- ما باید ببینیم که چرا این مفسران ابتدای هرگونه ادعا در باب سرشت انسانی را رد می کنند (۱۱۱).
- ۱۶- شاید توسط به کانت برای معنایابی تواضع عجیب بنظر برسد زیرا ایده های معمولاً با تاکیدی شدید بر خودآینتی فرد همراه است که به تصویری نجسب از انسان منجر می شود که او را خودبنیاد و شدیداً مستقل نشان می دهد که چنان بر خود استوار است که به هیچ کسی نیاز ندارد. چنین تصویری از خودبستگی کانتی سبب شده غالب معاصرین ارسطو را به عنوان راهنمای تاریخی خود برای بحث از فضیلت ارسطو برگزینند (۱۴۴).
- ۱۷- نگاه کانت به فضیلت بیش از دیگر معاصرین و نیز ارسطوئیان به تواضع مرکزیت می بخشد (۱۴۴)
- ۱۸- تواضع کانتی یک تمایل، طرزتلقی یا منش شخصیتی است (۱۶۰).
- ۱۹- تواضع بیش از آنکه یک تمایل یا یک طرزتلقی در میان بقیه و متناسب با شرایطی خاص باشد، یک فرا- طرزتلقی است. به همین ترتیب می توان تواضع را می توان یک "زاویه دید" یا "دیدگاه" خطاب کرد. یک لنز یا عدسی که فرد جهان اخلاقی را از مجرای آن می نگرد (۱۶۱).
- ۲۰- شروط لازم برای هر نوع تواضعی برابرنگاری ارزشی همه انسان از حیث کرامت، مشترک دانستن مرزها و محدودیت های آنها و احترام به همگان است (۱۶۴)
- ۲۱- اقلاً دو رابطه میان تواضع و اکرام نفس یا احترام به خود وجود دارد که یکی قوی و دیگری ضعیف است: در رابطه ضعیف، تواضع و احترام به خود می توانند مستقل از یکدیگر تعریف شوند؛ تواضع،

آگاهی فرد به عنوان یک فاعل از محدودیت های خویش است و احترام به خود، آگاهی فرد از ارزش خود به عنوان یک فاعل است. میان این دو وابستگی ضروری دوطرفه وجود دارد بدین صورت که فاعل تنها وقتی می تواند از محدودیت ها و نقائصش آگاه شود که از ارزش خود به عنوان یک فاعل باخبر باشد و بالعکس (۱۶۴).

۲۲- رابطه قوی: پذیرش ارتباط هویتی و یگانگی این دو حالت است.

۲۳- ما برای تمیز دادن تواضع از انکار نفس باید دست کم پیوند ضروری میان تواضع و احترام به خود را مورد تاکید قرار دهیم (۱۶۶)

۲۴- احترام به خود شرط لازم یک تواضع فضیلت مندانه است (۱۶۶)

۲۵- ظاهراً {جولیا} درایور نسبت به احترام به خود بی توجه است زیرا او صراحتاً تواضع را مستلزم دست پایین گفتن ارزش خود می داند (۱۶۶).

۲۶- نانسی اسنو تواضع را در محدودیت های مشترک بشر می داند و نه ارزش مشترک. ۱۶۹

۲۷- ما نمی توانیم خوانشی از تواضع داشته باشیم که آنرا نوعی جهل و بی خبری می داند. در نگاه ما حدی از خودشناسی یا شناخت خود ضرورت دارد: فاعل باید اقلاً بداند که به گروه فاعلان عاقل و منحرف/ انحراف پذیر تعلق دارد و هیچ عملی که مبتنی بر جهل، بدفهمی یا خودفریبی در مورد محدودیت های فاعلیت یک انسان باشد نمی تواند اخلاقی قلمداد گردد. ۱۷۱

۲۸- این بدان معنا نیست که تلقی کانتی از فضیلت مستلزم یک نخبه گرایی روشنفکرانه است که درایور نگران آن می باشد. ۱۷۱

۲۹- حداقل دو شرط برای تواضع فضیلت مندانه وجود دارد که با احترام بخود قابل جمع باشد:

الف: آگاهی از محدودیت ها

ب: عدم بی خبری و جهل. ۱۷۰

